

رفقای من همگی باید بمبارزه ادامه دهند . ” اکنون این سؤال پیش میاید : چرا انقلاب چین پس از چند ده سال مبارزه هنوز به هدف خود دست نیافته است ؟ علت چیست ؟ بنظر من دو علت وجود دارد : اول اینکه نیروهای دشمن فوق العاده قوی بودند و دوم اینکه نیروهای خودی فوق العاده ضعیف بودند . از آنجا که یکطرف قوی و طرف دیگر ضعیف بود ، انقلاب پیروز نگشت . وقتیکه میگوئیم نیروهای دشمن فوق العاده قوی بودند ، مقصود مان اینست که نیروهای امپریالیسم (این عامل درجه اول است) و فتودالیسم فوق العاده قوی بودند . وقتیکه میگوئیم نیروهای خودی فوق العاده ضعیف بودند ، مقصود ما ضعیفی است که در شئون مختلف نظامی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی تظاهر یافته است ، لیکن ضعف ما بطور عمده باین علت است که توده های زحمتکش - کارگران و دهقانان که نود درصد جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند ، هنوز بسیج نشده بودند ، و از همینجاست که ضعف ما و عدم توانائی در بسر انجام رساندن وظیفه ضد امپریالیستی - ضد فتودالی ناشی میشود . اگر بخواهیم تجربیات انقلاب چند ده سال گذشته را ترازبندی کنیم ، باید بگوئیم که مردم سراسر کشور بطور کامل بسیج نشده بودند و بعلاوه مرتجعین پیوسته با چنین بسیجی مخالفت کرده و در کار آن تخریب مینمودند . تنها با بسیج و تشکل توده های وسیع کارگران و دهقانان که نود درصد جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند ، میتوان امپریالیسم و فتودالیسم را برانداخت . دکتر سون یاتسن در وصیتنامه خود میگوید :

” چهل سال تمام خودم را وقف امر انقلاب ملی نمودم تا برای چین آزادی و تساوی حقوق کسب نمایم . در اثر این چهل سال تجربه ایقان راسخ یافتم که برای نیل باین هدف باید توده های مردم را برانگیزیم و در جهان با آن مللی که با ما برخورد برابر دارند ، در مبارزه مشترك متحد شویم . ”

اکنون بیش از ده سال از مرگ دکتر سون یاتسن میگذرد ، این ده سال باضافه آن چهل سالی که وی از آن سخن میراند ، مجموعاً بیش از پنجاه سال میشود . تجربیات و درسهای انقلاب در طول این پنجاه سال کدامند ؟ بطور عمده عبارتند از این اصل : " باید توده‌های مردم را برانگیزیم " . شما و همچنین تمام جوانان چین باید این اصل را دقیقاً مطالعه کنید . جوانان باید دریابند که تنها با بسیج توده‌های عظیم کارگران و دهقانان که نود درصد جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند ، میتوانیم امپریالیسم و فئودالیسم را از پای در آوریم . تا زمانیکه ما توده‌های عظیم کارگران و دهقانان سراسر کشور را بسیج نکنیم ، نخواهیم توانست ژاپن را شکست دهیم و چین نوین را بنا کنیم .

چهارم ، باز به جنبش جوانان برگردیم . درست بیست سال پیش در چنین روزی رخداد بزرگی در چین بوقوع پیوست که در آن دانشجویان شرکت داشتند و در تاریخ بنام جنبش ۴ مه معروف گردیده است . این جنبش دارای اهمیت بسیار عظیمی است . جوانان چین از زمان جنبش ۴ مه تاکنون چه نقشی داشته‌اند ؟ در مفهومی آنها نقش پیشاهنگ را بازی نمودند ، این حقیقتی است که در سراسر کشور بجز سرسختان مورد قبول همگان است . نقش پیشاهنگ یعنی چه ؟ یعنی پیشتازی کردن و در صفوف مقدم انقلاب قرار گرفتن . در صفوف ضد امپریالیستی - ضد فئودالی خلق چین ارتشی از جوانان روشنفکر و دانشجو موجود است . و این ارتش بسیار عظیمی است که حتی اگر آن تعداد کثیری را که جان خود را از کف داده‌اند ، بحساب نیاوریم ، اکنون باز شماره آن بچندین میلیون میرسد . این ارتشی است که در یکی از جبهه‌ها در برابر امپریالیسم و فئودالیسم ایستاده و ارتش مهمی است . ولی این ارتش بتنهائی کافی نیست ، ما نمیتوانیم فقط با تکیه باین

ارتش دشمن را شکست دهیم ، زیرا که این ارتش نیروی عمده را تشکیل نمیدهد . پس نیروی عمده کدامست ؟ این توده‌های عظیم کارگران و دهقانان است . جوانان روشنفکر و دانشجوی چین باید میان توده‌های کارگران و دهقانان که نود درصد جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند ، بروند و آنها را بسیج و متشکل سازند . بدون این نیروی عمده — کارگران و دهقانان — و تنها با اتکاء به ارتش جوانان روشنفکر و دانشجو نمیتوان در پیکار علیه امپریالیسم و فئودالیسم پیروز گشت . از اینرو جوانان روشنفکر و دانشجوی سراسر کشور باید با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان درآمیزند و با آنها یکی شوند ؛ و فقط آنگاه است که ارتشی قدرتمند میتواند تشکیل شود ، ارتشی چند صد میلیونی ! تنها با چنین ارتش عظیمی است که میتوان مواضع مستحکم دشمن را گرفت و آخرین دژهای وی را درهم شکست . چنانچه جنبش جوانان را در گذشته از این دیدگاه ارزیابی کنیم ، باید به این گرایش نادرست اشاره نمائیم که در جنبش جوانان طی چند ده سال اخیر بخشی از جوانان مایل به اتحاد با کارگران و دهقانان نبودند و با نهضت کارگری و دهقانی بمخالفت برمیخواستند ، این در جنبش جوانان يك جریان مخالف را تشکیل میدهد . در واقع این افراد که از اتحاد با کارگران و دهقانان که نود درصد جمعیت کل کشور را تشکیل میدهند ، سرمیپیچند و حتی از اساس مخالف کارگران و دهقانان اند ، بهیچوجه عاقل نیستند . آیا این جریان خوبی است ؟ بنظر من نه ، زیرا مخالفت آنها با کارگران و دهقانان در حقیقت مخالفت با انقلاب است ؛ بهمین جهت است که ما میگوئیم این جریان در جنبش جوانان جریان مخالفی را تشکیل میدهد . اینگونه جنبش جوانان مسلماً بهیچ جایی نخواهد رسید . چند روز پیش من مقاله کوتاهی نوشتم (۳) و در آن متذکر شدم : ” در تحلیل نهائی خط فاصل بین روشنفکران انقلابی ،

یا غیر انقلابی و یا ضد انقلابی اینست که آیا آنها مایلند با توده‌های کارگران و دهقانان در آمیزند و آیا بدان عمل میکنند یا نه . " در اینجا من معیاری را مطرح کرده‌ام که گمان میکنم یگانه معیار معتبر باشد . چگونه باید سنجید که يك جوان انقلابی است ؟ با کدام معیار باید آنها را اندازه گرفت ؟ تنها يك معیار میتواند وجود داشته باشد و آن اینست که آیا این جوان مایل است با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان در آمیزد و آیا بدان عمل میکند یا نه . چنانچه او مایل به در آمیختن با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان باشد و بدان عمل کند ، فردی انقلابی است والا فردی غیر انقلابی یا ضد انقلابی است . اگر او امروز با توده‌های کارگران و دهقانان در آمیزد ، او را امروز میتوان فردی انقلابی نامید ؛ ولی چنانچه او فردا از آنان ببرد و حتی بر مردم عادی ستم کند ، آنگاه فردی غیر انقلابی و یا ضد انقلابی خواهد شد . برخی از جوانان راجع به اعتقاد خود نسبت به سه اصل خلق و یا مارکسیسم داد سخن سر میدهند ، ولی این دلیل هیچ چیز نمیشود . ببینید مگر هیتلر از اعتقاد خود به " سوسیالیسم " دم نمیزد ؟ بیست سال پیش حتی موسولینی هم يك " سوسیالیست " بود ! " سوسیالیسم " آنها بالاخره از چه قماش بود ؟ در واقع فاشیسم بود ! آیا چن دوسیو زمانی به مارکسیسم " اعتقاد " نداشت ؟ بعداً کارش بکجا کشید ؟ به ضد انقلاب پیوست . مگر جان گوه تاؤو نیز به مارکسیسم " اعتقاد " نداشت ؟ اکنون کجا رفته است ؟ فرار کرد و در منجلاب فرو رفت . بعضی‌ها هستند که خودشانرا از " پیروان سه اصل خلق " و حتی از پیروان سابقه‌دار سه اصل خلق میخوانند . لیکن در عمل چه کار کردند ؟ همانطور که معلوم شد ، اصل ناسیونالیسم آنها تباری با امپریالیسم ، اصل دموکراسی آنها ستم بر مردم عادی و اصل رفاه خلق آنها مکیدن هر چه بیشتر خون مردم بود . آنها در ظاهر پیرو سه اصل

خلق اند ، ولی در باطن با آن مخالفت میورزند . بنابراین وقتیکه میخواهیم درباره شخصی قضاوت کنیم که وی طرفدار واقعی یا کاذب سه اصل خلق است ، که مارکسیستی واقعی یا کاذب است ، کافی است معلوم نمائیم که مناسبات وی با توده‌های وسیع کارگران و دهقانان چگونه است و سپس مطلب برای ما کاملاً روشن خواهد شد . این یگانه معیار است ، معیار دیگری موجود نیست . من امیدوارم که جوانان سراسر کشور هرگز نگذارند که خود در این جریان مخالف سیاه بیافتند ، و باید درك کنند که کارگران و دهقانان دوستان آنها هستند و به پیشواز آینده‌ای تابناک بشتابند .

پنجم ، جنگ مقاومت ضد ژاپنی کنونی مرحله نوینی در انقلاب چین میباشد - مرحله‌ای پر عظمت ، پرتحرک و پرشور . در این مرحله جوانان مسئولیت خطیری بر دوش دارند . جنبش انقلابی چین ما طی چند ده سال گذشته از مراحل متعدد مبارزه گذشته است ، لیکن دامنه آن در هیچ مرحله‌ای چون جنگ مقاومت ضد ژاپنی کنونی چنین وسیع نبوده است . وقتیکه میگوئیم انقلاب کنونی چین دارای جنبه‌های خاصی است که آنرا از انقلابات پیشین متمایز میسازد و از شکست به پیروزی روی خواهد آورد ، مقصودمان اینستکه توده‌های وسیع خلق چین پیشرفت کرده‌اند ؛ در این میان پیشرفت جوانان گواه بارزی است . و از همینجهت است که جنگ مقاومت ضد ژاپنی باید پیروز شود و حتماً به پیروزی میانجامد . همانطور که برهمگان روشن است ، سیاست اساسی در این جنگ سیاست جبهه متحد ملی ضد ژاپنی است که هدفش سرنگون ساختن امپریالیسم ژاپن و خائنین بعلمت ، تغییر چین کهن به چین نوین ، و آزادی تمام ملت از وضع نیمه مستعمره - نیمه فئودالی است . اکنون عدم وحدت در جنبش جوانان چین ضعیفی بسیار جدی است . شما باید به کوششهای خود در جهت نیل به وحدت ادامه دهید ، چه اتحاد قدرت است .

شما باید به جوانان سراسر کشور کمک نمائید تا وضعیت کنونی را در یابند ،
بوحدت برسند و تا آخر در برابر ژاپن مقاومت نمایند .

و بالاخره ششم ، اینک میخواهم درباره جنبش جوانان ین ان صحبت
کنم . این جنبش برای جنبش جوانان در سراسر کشور نمونه است . سمتی
که این جنبش بخود میگیرد ، در حقیقت سمت جنبش جوانان سراسر کشور
است . چرا ؟ زیرا که سمت جنبش جوانان ین ان درست است . ملاحظه
کنید ، جوانان ین ان در مورد وحدت نه فقط کار کرده‌اند ، بلکه واقعاً
خیلی خوب کار کرده‌اند . جوانان ین ان به همبستگی و وحدت رسیده‌اند . در
ین ان جوانان روشنفکر و دانشجو ، جوانان کارگر و دهقان همگی متحد
شده‌اند . از گوشه و کنار کشور و حتی از مهاجرین چینی جوانان انقلابی
گروه گروه برای آموزش به ین ان روی می‌آورند . اکثر شما که امروز در این
جلسه شرکت دارید ، برای رسیدن به ین ان هزاران کیلومتر پشت سر
نهاده‌اید ؛ و همگی — چه نامتان جان باشد چه لی ، چه مرد باشید چه زن ،
چه کارگر یا دهقان یکدل و یک زبان هستند . آیا این نباید برای سراسر
کشور بعنوان نمونه محسوب گردد ؟ جوانان ین ان علاوه بر اینکه با یکدیگر
متحد گشته‌اند ، با توده‌های کارگران و دهقانان نیز در آمیخته‌اند ؛ و این
بیشتر از هر چیز شما را برای سراسر کشور نمونه می‌سازد . جوانان ین ان چه
کرده‌اند ؟ آنها تئوری انقلاب را فرا میگیرند و اصول و شیوه‌های مقاومت
در برابر ژاپن و نجات میهن را مطالعه مینمایند . آنها جنبش کار تولیدی را
برپا کرده‌اند و هزاران ” مو “ زمین بایر را قابل کشت نموده‌اند . قابل
کشت کردن زمین‌های بایر و کشت و کار در مزارع — حتی کنفسیوس
باین کار هم نپرداخته بود . وقتیکه کنفسیوس مکتبش را اداره میکرد ، تعداد
قابل توجهی شاگرد داشت — ” هفتاد حکیم و سه هزار شاگرد “ —

واقعاً مکتب با رونقی ! معذک از ین ان بمراتب کمتر شاگرد داشت و بعلاوه شاگردانش علاقه‌ای به جنبش کار تولیدی نشان نمیدادند . وقتی شاگردی از کنفسیوس سوال کرد که مزرعه را چگونه شخم میزنند ، وی در پاسخ گفت : "نمیدانم ، در اینکار من به پای دهقانان نمی‌رسم ." و وقتی که باز از او سوال شد که سبزی را چگونه میکارند ، در پاسخ گفت : "نمیدانم ، در اینکار من بیای سبزیکاران نمی‌رسم ." در زمانهای قدیم جوانان چین که نزد حکیمان تحصیل میکردند ، نه تئوری انقلابی می‌آموختند و نه در کار بدنی شرکت می‌جستند . در حال حاضر تئوری انقلابی در مکاتب نقاط مختلف کشور کم تدریس میشود و از جنبش کار تولیدی هم هیچ خبر نیست . تنها در ین ان و در مناطق پایگاهی ضد ژاپنی در پشت جبهه دشمن است که وضع جوانان از اساس فرق میکند . آنها در امر مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن واقعاً پیشاهنگاند ، چه سمت سیاسی و شیوه‌های کار آنان درست است . باین دلیل است که من میگویم جنبش جوانان ین ان برای جنبش جوانان سراسر کشور نمونه است .

جلسه امروز دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است . من تمام آنچه را که میخواستم بیان داشتم . امیدوارم که شما درسهای پنجاه سال گذشته انقلاب چین را مطالعه کنید ، جنبه‌های خوب آنها بسط دهید و اشتباهاتش را حذف نمائید تا آنکه تمام جوانان با خلق سراسر کشور پیوند یابند و انقلاب از شکست به پیروزی روی نهد . روزی که جوانان و خلق سراسر کشور بسیج ، متشکل و متحد گردند ، روز سرنگونی امپریالیسم ژاپن خواهد بود . هر یک از جوانان باید این مسئولیت را بر عهده خود بگیرد . اکنون هر یک از جوانان باید با گذشته فرق کند و مصمم گردد که تمام جوانان را متحد نماید و خلق سراسر کشور را برای سرنگون ساختن امپریالیسم ژاپن

و تغییر چین کهن به چین نوین متشکل سازد . این چیزی است که من از شما انتظار دارم .

یادداشتها

۱ - روز ۴ مه ابتدا بابتکار سازمانهای جوانان منطقه مرزی شنسی - گان سو - بین سیا بعنوان روز جوانان چین اعلام گردید . در آنموقع گومیندان در اثر فشار اوجگیری جنبش میهن پرستانه توده های وسیع جوانان هم با این تصمیم موافقت کرد . سپس گومیندان که از تمایلات انقلابی جوانان وحشت داشت و بنظرش این تصمیم خطرناک میآمد ، ۲۹ مارس (روز یادبود انقلابیونی که در سال ۱۹۱۱ به شهادت رسیده و در حوان هوای گان از گوان هو دفن شدند) روز جوانان تعیین نمود . ولی ۴ مه کماق السابق در پایگاه های انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست بمنزله روز جوانان بشمار میآمد . پس از تأسیس جمهوری پدهای چین ، شورای اداری دولت مرکزی ۴ مه را در دسامبر ۱۹۴۹ رسماً روز جوانان بین اعلام کرد .

۲ - منظور کودتاهای ضد انقلابی چانکایشک در ۱۹۲۷ در شهرهای شانگهای فانکن و وان جین وی در اوهان است .

۳ - منظور مقاله « جنبش ۴ مه » .

علیه فعالیت تسلیم طلبانه

(۳۰ ژوئن ۱۹۳۹)

از زمانیکه ملت چین با تجاوز ژاپن روبرو شد ، مسئله اینکه در درجه اول اهمیت قرار گرفته ، این بوده است : جنگیدن یا نجنگیدن . این مسئله در فاصله میان حادثه ۱۸ سپتامبر و حادثه لوگو چیاو مورد بحث شدیدی واقع گردید . همه احزاب و گروه‌های میهن پرست و همه هموطنان میهن پرست باین نتیجه رسیدند که "جنگیدن برابر زندگی و نجنگیدن برابر مرگ است" ؛ همه تسلیم طلبان باین نتیجه رسیدند که " جنگیدن برابر مرگ و نجنگیدن برابر زندگی است " . غرش توپهای نبرد مقاومت در لوگو چیاو موقتاً باین بحث فیصله داد . این غرش توپها اعلام داشت که نتیجه گیری اول درست و نتیجه گیری دوم نادرست است . ولی چرا غرش توپهای نبرد مقاومت در لوگو چیاو باین بحث موقتاً فیصله داد نه قطعاً ؟ علت آنرا میتوان در سیاست امپریالیسم ژاپن که میخواهد چین را براه تسلیم آورد ، در کوشش تسلیم طلبان بین‌المللی (۱) که در پی سازش‌اند ، و در بی‌ثباتی برخی افرادی که در جبهه مقاومت ضد ژاپنی چین شرکت دارند ، جستجو کرد . اکنون بیان مسئله اندکی تغییر کرده و مسئله مذکور مجدداً باین صورت مطرح شده است : " صلح یا جنگ " . در چین میان هواداران ادامه جنگ

و موعظه گران صلح بعضی در گرفته است . مواضع آنها همان مواضع پیشین میباشد . نتیجه گیری هواداران ادامه جنگ چنین است : "جنگیدن برابر زندگی و صلح کردن برابر مرگ است" . نتیجه گیری موعظه گران صلح چنین است : " صلح کردن برابر زندگی و جنگیدن برابر مرگ است" . ولی دسته اول شامل همه احزاب و گروه‌های میهن پرست و همه هموطنان میهن پرست هستند که اکثریت عظیم ملت را تشکیل میدهند ، در حالیکه دسته دوم یعنی تسلیم طلبان از نظر تعداد افراد فقط عده خیلی کمی از عناصر متزلزل درون جبهه مقاومت ضد ژاپنی را در بر میگیرند . از اینجبهت باصطلاح موعظه گران صلح مجبورند به تبلیغات دروغین و قبل از همه به تبلیغات ضد کمونیستی دست بزنند . آنها سیل بی پایانی از اخبار ، گزارشها ، اسناد و قطعنامه‌های دروغ را براه میاندازند ، حاکی از اینکه " کمونیستها مشغول اغتشاش اند " ، " ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید بدون اینکه بجنگند بی جهت حرکت میکنند و از اطاعت فرمان سرباز میزنند " ، " منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بصورت تیول در آمده و از حدود خود گسترش مییابد " ، " حزب کمونیست در توطئه سرنگون ساختن دولت است " و حتی " اتحاد شوروی توطئه میچیند که به چین تجاوز کند " وغیره وغیره . همه این کارها برای آنستکه واقعیت امور را بیوشانند ، افکار عمومی را آماده کنند و به صلح یعنی به تسلیم شدن نائل آیند . موعظه گران صلح یعنی تسلیم طلبان از آنجبهت چنین میکنند که حزب کمونیست مبتکر و مدافع جبهه متحد ملی ضد ژاپنی است و بدون مبارزه با حزب کمونیست نمیتوان همکاری گومیندان و حزب کمونیست را برهم زد ، نمیتوان جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را از هم شکافت و نمیتوان تسلیم شد . بعلاوه موعظه گران صلح امیدوارند که امپریالیسم ژاپن به گذشتهائی تن در دهد . حساب آنها اینستکه رمق

ژاپن دیگر کشیده شده است ، سیاست اصلی خود را عوض خواهد کرد ، خودش از چین مرکزی ، جنوبی و حتی شمالی خواهد رفت و آنگاه چین بدون ادامه جنگ به پیروزی نائل خواهد آمد . بالاخره امید آنها در فشار بین المللی است . بسیاری از موعظه گران صلح نه فقط امیدوار آن اند که دولتهای بزرگ بمیدان آیند و ژاپن را تحت فشار بگذارند و او را به گذشتهائی وادار کنند تا موافقت در امر صلح امکان پذیر گردد ، بلکه امیدوار این نیز هستند که دولتهای بزرگ بر دولت چین اعمال فشار کنند تا بتوان به هواداران ادامه جنگ گفت : ”نگاه کنید ! در چنین محیط بین المللی فقط راه صلح باز است !“

” کنفرانس بین المللی اقیانوس آرام (۲) برای چین سودمند است ، از نوع مونیخ (۳) نیست ، بلکه گامی در راه احیاء چین است !“ اینست مجموعه نظرات ، شوه ها و توطئه های موعظه گران صلح در چین یعنی تسلیم طلبان (۴) . این نمایش را وان جین وی بتنهائی بصحنه میآورد ، عیب کار اینستکه هنوز وان جین وی های بزرگ و کوچک زیادی هستند که در درون جبهه مقاومت ضد ژاپنی پنهان اند و در این نمایش با وان جین وی همبستگی میکنند ؛ بعضی با او ” شوان هوان“ (۵) بازی میکنند و بعضی دیگر گاهی با ماسک سرخ و گاهی با ماسک سفید در میآیند (۶) .

ما کمونیستها صریحاً اعلام میداریم که تا آخر در اردوی هواداران ادامه جنگ خواهیم بود و قاطعانه با موعظه گران صلح مبارزه خواهیم کرد . یگانه آرزوی ما اینستکه وحدت خویش را با همه احزاب و گروه های میهن پرست و همه هموطنان میهن پرست کشور تحکیم کنیم ، جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و همکاری گومیندان و حزب کمونیست را استوار گردانیم ، سه اصل خلق را بموقع اجرا در آوریم ، جنگ مقاومت را تا پایان ادامه دهیم ، تا رودخانه یا لو نبرد کنیم و همه سرزمینهای از دست رفته (۷) را باز ستانیم .

غیر از این هیچ چیز دیگر را قبول نداریم . ما همه وان جین وی های آشکار و پنهانی را بطور قطع محکوم میکنیم زیرا که آنها محیط ضد کمونیستی ایجاد میکنند ، "اصطکاکات" (۸) میان گومیندان و حزب کمونیست برمیانگیزند و حتی در صددند که جنگ داخلی جدیدی بین این دو حزب را برافروزند . ما باین اشخاص میگوئیم : توطئه های شما که هدفش افتراق افکنی است ، در واقع چیز دیگری نیست جز تدارك تسلیم طلبی ، و سیاست تسلیم طلبی و افتراق افکنی شما مبین نقشه کلی شما بیش نیست که بخاطر ارضاء منافع خصوصی مستی از افراد منافع ملی را میفروشید . اما چشم خلق بیناست و توطئه های شما افشا خواهد شد . ما این پرچانگی بیپوده را که گویا کنفرانس اقیانوس آرام مونیخ مشرق نخواهد بود ، بطور قطع محکوم میکنیم . آنچه کنفرانس اقیانوس آرام نامیده میشود ، مسلماً مونیخ مشرق خواهد بود و سرنوشت چکوسلواکی را برای چین پیش خواهد آورد . ما این پرچانگی بیپوده را که گویا ممکن است امپریالیستهای ژاپن سر عقل بیایند و به گذشتہائی تن در دهند ، بطور قطع محکوم میکنیم . سیاست اصلی امپریالیسم ژاپن که سیاست انقیاد چین است ، تغییر نخواهد کرد . سخنان شکرآلود ژاپنی ها پس از سقوط اوهان ، مثلاً اعراض آنها از سیاست "برسمیت نشناختن دولت ملی بعنوان طرف مذاکرات" (۹) و موافقت آنها با پذیرفتن او باین سمت و یا مثلاً شرایط آنها برای بیرون کشیدن ارتش خود از چین مرکزی و جنوبی - همه مظاهر سیاست حيله گرانده ایست و هدفش آنست که ماهی را بسوی قلاب بکشاند ، آنرا بگیرد و کباب کند . کسی که لب باین طعمه میزند ، باید حاضر باشد که در ماهی تابه بیفتد . کوشش تسلیم طلبان بین المللی نیز که میخواهند چین را براه تسلیم بیاورند ، مظهر همین سیاست حيله گرانه است . آنها به تجاوز ژاپن بر چین بدیده اغماض مینگرند و "روی فراز

کوه نشسته و نبرد بیرها را تماشا میکنند“ و منتظر لحظه مناسبی هستند که باصطلاح کنفرانس اقیانوس آرام را بمنظور میانجیگری برپا سازند تا خود در وضعیت ممتاز ”شخص ثالث“ قرار گیرند. از این توطئه انگیزان چشم امید داشتن نیز بدام افتادن است.

اینک مسئله جنگیدن یا نجنگیدن بصورت مسئله جنگ یا صلح مطرح میشود، ولی ماهیتش همان است که بود. در میان همه مسائل این مهمترین و اساسی ترین مسئله است. در شش ماه اخیر در اثر تشدید اجرای سیاست ژاپن که میخواهد چین را براه تسلیم بیاورد، در اثر اقدامات فعالانه تسلیم طلبان بین المللی، و بطور عمده در اثر تزلزل بیشتر برخی افرادی که در جبهه مقاومت ضد ژاپنی چین شرکت دارند، جار و جنجال عجیبی بر سر باصطلاح مسئله صلح یا جنگ برخاسته و امکان تسلیم در وضع سیاسی کنونی بصورت خطر عمده در آمده است؛ در چنین شرایطی مبارزه با حزب کمونیست یعنی بهم زدن همکاری گومیندان و حزب کمونیست و بهم زدن وحدت در مقاومت ضد ژاپنی، در نزد تسلیم طلبان بمنزله نخستین و مهمترین قدم در راه تدارك تسلیم بشمار میآید. در چنین وضع همه احزاب و گروه های میهن پرست و همه هموطنان میهن پرست چین موظف اند که با چشم باز مراقب فعالیت های تسلیم طلبان باشند. آنها باید در یابند که خصوصیت اصلی شرایط حاضر در آنستکه تسلیم طلبی بصورت خطر عمده در آمده و مبارزه با حزب کمونیست چیز دیگری نیست مگر تدارك تسلیم؛ آنها موظف اند با تمام قوا با تسلیم طلبی و افتراق افکنی مبارزه کنند. هرگز نباید گذاشت که عده قلیلی بر بهم زدن امر جنگ علیه امپریالیسم ژاپن امکان یابند و بآن خیانت ورزند، جنگی که قاطبه ملت با ریختن خون خود دو سال است که بآن ادامه میدهد. هرگز نباید گذاشت که افراد محدودی بر بهم

زدن جبهه متحد ملی ضد ژاپنی که در اثر مساعی قاطبه ملت بوجود آمده است امکان یابند و آنرا از هم بپاشند .

به جنگ ادامه دادن و در وحدت پافشاری کردن - چین برجا خواهد ماند .

به صلح روی آوردن و در افتراق افکنی پافشاری کردن - چین نابود خواهد شد .

کدام را باید پذیرفت و کدام را باید رد کرد ؟ هممیهنان باید بزودی یکی را انتخاب کنند .

ما کمونیستها بطور قطعی جنگ را ادامه خواهیم داد و در وحدت پافشاری خواهیم کرد .

همه احزاب و گروه‌های میهن پرست و همه هموطنان میهن پرست کشور نیز بطور قطعی جنگ را ادامه خواهند داد و در وحدت پافشاری خواهند کرد .

حتی اگر تسلیم طلبان که به توطئه‌های تسلیم و افتراق مشغولند ، بتوانند موقتاً استیلاء یابند ، سرانجام بوسیله خلق فاش خواهند شد و

بمجازات خواهند رسید . وظیفه تاریخی ملت چین آنستکه از طریق وحدت و مقاومت به آزادی خویش دست یابد . تسلیم طلبان در صددند که در

جهت مخالف سیر کنند ، ولی با وجود هر پیشرفتی که بدست آورند و با وجود هر فریاد شادی که برکشند و تصور کنند که هیچکس جرأت نمیکند

”بانها ضرر برساند“ ، سرانجام از سرنوشت خویش نخواهند گریخت و از دست خلق کشور مجازات خواهند دید .

مبارزه با تسلیم طلبی و افتراق - وظیفه فوری کلیه احزاب و گروه‌های میهن پرست و هموطنان میهن پرست کشور است .

خلق سراسر کشور متحد شوید و روی جنگ مقاومت و وحدت پافشاری

کنید و توطئه‌هایی را که هدفش تسلیم‌طلبی و افتراق افکنی است ، نقش بر آب بسازید !

یادداشتها

- ۱ - منظور از تسلیم‌طلبان بین‌المللی امپریالیستهای انگلستان و آمریکا است که در آن موقع در توطئه توافق‌هایی با ژاپن از طریق قربانی چین بودند .
- ۲ - در آن هنگام امپریالیستهای انگلستان ، آمریکا و فرانسه با موعظه‌گران چینی صلح در توطئه باصطلاح " کنفرانس بین‌المللی اقیانوس آرام " بودند تا با راهزنان ژاپنی سازش کنند و چین را بفروشند . این توطئه را افکار عمومی ، مونیخ مشرق دور نام نهاده بود . در این اثر رفیق مائو تسه دون در محکوم ساختن این پرچانگی بیسوده که گویا کنفرانس اقیانوس آرام مونیخ مشرق نخواهد بود به ادعای آن موقع چانکایشک اشاره میکند .
- ۳ - در سپتامبر ۱۹۳۸ سران چهار دولت انگلستان ، فرانسه ، آلمان و ایتالیا در مونیخ (آلمان) کنفرانسی تشکیل دادند که به عقد قرارداد مونیخ انجامید . انگلستان و فرانسه بموجب این قرارداد ، چکوسلواکی را به آلمان فروختند ، مشروط بر اینکه آلمان به اتحاد شوروی حمله کند . در سالهای ۱۹۳۸ - ۱۹۳۹ امپریالیستهای انگلستان و آمریکا بارها بتدارک سازش با امپریالیسم ژاپن از طریق قربانی چین اقدام کردند . در ژوئن ۱۹۳۹ که رفیق مائو تسه دون اثر حاضر را نوشت ، بین انگلستان و ژاپن مجدداً مذاکراتی بمنظور ادامه تدارک این توطئه بعمل آمد . این توطئه از آنجا که با توطئه مونیخ انگلستان ، فرانسه ، آلمان و ایتالیا شباهت داشت ، " مونیخ مشرق " نامیده میشد .
- ۴ - در اینجا منظور رفیق مائو تسه دون از " مجموعه نظرات ، شیوه‌ها و توطئه‌های موعظه‌گران صلح در چین یعنی تسلیم‌طلبان " ، نظرات ، شیوه‌ها و توطئه‌های چانکایشک است . در آن هنگام وان جین وی سرکرده عمده تسلیم‌طلبان علنی بود و چانکایشک سرکرده عمده تسلیم‌طلبانی که در درون جبهه مقاومت ضد ژاپنی پنهان شده بودند . سخن رفیق مائو تسه دون درباره " وان جین وی مخفی " و " وان جین وی‌های بزرگ

و كوچك " مربوط باو است .

۵ - منظور رفیق مائو تسه دون اینستکه چانکایشك ووان جین وی همانطور نقشبای مختلف را بعهده گرفته‌اند که هنرپیشگان نمایش "شوان هوان" (نوعی نمایش است که دو نفر اجراکننده در آن شرکت دارند . یکی از آنها در پشت سر دیگری پنهان شده ، حرف میزند و آواز میخواند ، آن دیگری در جلو نشسته ، حرف نمیزند و آواز هم نمیخواند و فقط طبق حرفها و آوازهای آن یکی در پشت سر خود ژستهای مختلف میگیرد . - مترجم) .

۶ - در آن دوران موعظه‌گران صلح در گویندگان که چانکایشك در رأس آن قرار گرفت ، دو روئی میکردند . آنها از يك سو هنوز بلیاس هواداران ادامه جنگ مقاومت در می‌آمدند و از سوی دیگر مشغول اشکال مختلف فعالیت تسلیم طلبانه بودند ؛ آنها شبیه هنرپیشگان اپرای باستانی چین بودند که برخی از آنها در صحنه با ماسك سرخ (رل مثبت) در می‌آمدند و برخی دیگر با ماسك سفید (رل منفی) .

۷ - در ژانویه ۱۹۴۹ در پنجمین پلنوم پنجمین دوره کمیته اجرایی مرکزی گویندگان چانکایشك علناً اظهار نظر کرد که بعقیده او در شعار " جنگ مقاومت تا پایان " مقصود از کلمه " پایان " عبارتست از " برقراری مجدد وضعی که پیش از حادثه لو گو چیائو وجود داشت " . از اینرو رفیق مائو تسه دون برای مقابله با این سیاست تسلیم طلبانه چانکایشك مخصوصاً تأیید کرد که معنای شعار " جنگ مقاومت تا پایان " عبارتست از " نبرد کردن تا رودخانه یا لو و بازستاندن همه سرزمینهای از دست رفته " .

۸ - منظور از " اصطکاکات " ، کلمه‌ایکه در آن زمان بسیار متداول بود ، عبارتست از اعمال ارتجاعی دارودسته مرتجع گویندگان که باشکال مختلف بمنظور برهم زدن جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و مبارزه علیه حزب کمونیست و کلیه نیروهای مترقی صورت میگرفت .

۹ - در ۱۳ دسامبر ۱۹۳۷ ارتش ژاپن نانکن را بتصرف درآورد . در ۱۶ ژانویه ۱۹۳۸ دولت ژاپن اعلامیه‌ای منتشر ساخت و در آن اعلام داشت که " از این به بعد دولت ملی را بعنوان طرف مذاکرات برسمیت نخواهد شناخت و امیدوار است که دولت جدیدی تشکیل شود " . در اکتبر ۱۹۳۸ پس از آنکه ارتش ژاپن گوان جو و او هان را متصرف شد ، دولت ژاپن با استفاده از تزلزل چانکایشك در مسئله جنگ مقاومت سیاست جدیدی اتخاذ کرد تا چانکایشك را براه تسلیم آورد ، باین منظور دولت

ژاپن در ۳ نوامبر ۱۹۳۸ اعلامیه جدیدی منتشر ساخت که در آن چنین گفته میشد :
 " در مورد دولت ملی ، هرگاه وی از سیاست اشتباه‌آمیز سابق خود دست بردارد و با
 شرکت رجال جدید به احیاء کشور و نگرهبانی نظم پردازد ، در آن صورت از طرف
 دولت امپراطوری رد نخواهد شد . "

www.KetabFarsi.com

مرتجعین باید مجازات شوند

(۱ اوت ۱۹۳۹)

امروز ، اول اوت ، ما برای برگزاری مجلس یادبود در اینجا گرد آمده ایم . چرا ما این مجلس یادبود را ترتیب داده ایم ؟ برای آنکه مرتجعین رفقای انقلابی ما را به قتل رسانیده اند ، رزمندگان علیه ژاپن را بقتل رسانیده اند . چه کسانی در این زمانه باید بقتل برسند ؟ خائنین بملت و امپریالیستهای ژاپن . چین دو سال با امپریالیسم ژاپن جنگیده است ولی فرجام آن هنوز معلوم نیست . خائنین بملت هنوز فعالیت بسیاری از خود نشان میدهند و عده قلیلی از آنها بقتل رسیده اند . معذک رفقای انقلابی ما و جنگجویان علیه ژاپن بقتل رسیده اند . چه کسانی آنها را کشته اند ؟ آنها را سپاهیان کشته اند . چرا سپاهیان رزمندگان علیه ژاپن را کشتند ؟ آنها فرمان را اجرا کردند و کسانی به آنها فرمان کشتن دادند . چه کسانی به آنها فرمان کشتن دادند ؟ مرتجعین (۱) . رفقاً ! قاعدتاً چه کسانی میخواهند رزمندگان علیه ژاپن را بقتل در آورند ؟ نخست امپریالیستهای ژاپن و سپس خائنین بملت و میهن فروشان نظیر وان جین

متن حاضر سخنرانی رفیق مائو تسه دون در مجلس یادبودی است که از طرف اهالی ین ان برای شهیدان حادثه خونین پین جیان ترتیب داده شده بود .

وی . اما عرصه کشتار شانگهای ، بی پین ، تیانزین ، نانکن و نقطه دیگری که تحت اشغال متجاوزین ژاپنی و خائنین بعلمت باشد نبود ، بلکه این قتل در پین جیان ، در پشت جبهه جنگ مقاومت صورت گرفت و تو جن کون و لوه زی مین و رفقای دیگر ، رفقای مسئول دفتر ارتباط ارتش چهارم جدید در پین جیان ، در میان قربانیان بوده‌اند . پر واضح است که این قتل توسط آن دارودسته مرتجعین چین که فرمان امپریالیستهای ژاپنی و وان جین وی را بمورد اجرا گذاردند صورت گرفته است . این مرتجعین در حال تدارک تسلیم هستند ، از اینرو خاضعانه فرمان ژاپنیها و وان جین وی را اجرا کردند ، و نخست مصممترین رزمندگان علیه ژاپن را بقتل رسانیدند . این موضوع کوچکی نیست ، ما باید با آن بمبارزه برخیزیم ، ما باید علیه آن اعتراض نمائیم !

اکنون تمام ملت در برابر ژاپن مقاومت میکند و خلق سراسر کشور بمنظور مقاومت علیه ژاپن به وحدت بزرگی نایل آمده‌است . اما مرتجعین و تسلیم‌طلبان نیز در درون این وحدت بزرگ جای دارند . آنها چه میکنند؟ آنها رزمندگان علیه ژاپن را بقتل میرسانند ، از پیشرفت و ترقی جلوگیری میکنند و با ساخت و پاخت با متجاوزین ژاپنی و خائنین بعلمت راه را برای تسلیم هموار میسازند .

آیا کسی به قتل رفقای ضد ژاپنی که واقعه جدی است رسیدگی کرده است ؟ قتل در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۱۲ ژوئن صورت گرفته و امروز اول اوت است ، اما آیا در تمام این مدت ما کسی را دیدیم که گامی به پیش گذارد ، به اینکار رسیدگی کند ؟ نه . چه کسی باید به اینکار رسیدگی کند ؟ بر طبق قانون چین مقامات قضائی باید به اینکار پرداخته باشند . اگر چنین قضیه در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا اتفاق میافتاد ،

دادگاه عالی ما اکنون مدتی بود که بدان رسیدگی کرده بود . اما با آنکه تقریباً دو ماه از حادثه خونین پین جیان میگذرد ، هنوز قانون و مقامات قضائی هیچ کاری انجام نداده‌اند . دلیل آن چیست ؟ دلیل آن اینست که چین متحد نیست (۲) .

چین باید متحد شود ؛ بدون توحید امکان پیروزی نیست . اما توحید بچه معنی است ؟ توحید به این معنی است که هر کس باید در برابر ژاپن مقاومت کند ، همه باید متحد شوند و در راه ترقی بکوشند ، و باید بفراخور حال پاداش و مجازات برقرار گردد . چه کسانی باید پاداش گیرند ؟ آنهایی که در برابر ژاپن مقاومت میکنند ، آنهایی که نگهبان وحدت‌اند و آنهایی که مترقی‌اند . چه کسانی باید مجازات شوند ؟ خائنین بعلت و مرتجعین که در کار مقاومت ، وحدت و ترقی خرابکاری میکنند . آیا کشور ما اکنون متحد شده‌است ؟ نه ، نشده‌است . حادثه خونین پین جیان گواه بر آنست . این کشتار نشان میدهد که توحید ، در آنجا که باید باشد ، نیست . ما مدتها خواستار توحید تمام کشور بودیم . نخست توحید براساس جنگ مقاومت . اما اکنون تو جن کون ، لوه زی مین و رفقای دیگر که در برابر ژاپن مقاومت میکردند بجای آنکه پاداش گیرند سبانه بقتل رسیده‌اند و آن فرومایگانی که با جنگ مقاومت بمقابله برخاسته‌اند ، تسلیم بدشمن را تدارك مبینند و بکشتار دست میزنند ، از مجازات مصون‌اند . این توحید نیست . ما باید با این فرومایگان و تسلیم‌طلبان مبارزه کنیم و قاتلین را بازداشت نمائیم . دوم توحید بر اساس وحدت . آنهایی که هوادار وحدت هستند ، باید پاداش گیرند و آنهایی که آنرا برهم میزنند ، باید مجازات شوند . اما اکنون تو جن کون ، لوه زی مین و رفقای دیگر که نگهبان وحدت بودند مجازات شده‌اند و سبانه بقتل رسیده‌اند ، و فرومایگانی که در امر وحدت

اخلال میکنند ، از هر گونه مجازات ایمن هستند . این توحید نیست .
 سوم توحید بر اساس ترقی . تمام کشور باید در راه ترقی گام بردارد ، باید
 کوشید که عقب مانده همپای مترقی شود و نه آنکه مترقی را به عقب کشید
 تا همپراز عقب مانده گردد . دژخیمان حادثه خونین پین جیان مردم مترقی را
 بقتل میرساندند . ده ها و صدها کمونیست و میهن پرست از آغاز جنگ مقاومت
 ترور شده اند . حادثه خونین پین جیان فقط تازه ترین نمونه است . ادامه
 این وضع برای چین هلاکت بار خواهد بود زیرا تمام کسانی که در برابر
 ژاپن بمقاومت دست میزنند ممکن است بقتل برسند . معنی این قتل ها
 چیست ؟ معنی آنها اینست که مرتجعین چین که طبق اوامر امپریالیستهای
 ژاپن و وان جین وی عمل میکنند در تدارك تسلیم بدشمن اند و بهمین علت
 است که آنها کار خود را با کشتن رزمندگان علیه ژاپن ، با کشتن کمونیستها
 و با کشتن میهن پرستان آغاز کرده اند . اگر به آن خاتمه داده نشود ، چین
 از دست این مرتجعین راه نیستی خواهد سپرد . از اینرو این قتل ها با
 سرنوشت تمام کشور بستگی دارد و دارای اهمیت فوق العاده است . ما
 باید از دولت ملی بخواهیم که این مرتجعین را به شدیدترین وجه مجازات
 کند .

وفقاً باید نیز دریابند که امپریالیسم ژاپن اخیراً فعالیتهای مخرب خود را
 شدت بخشیده است ، امپریالیسم بین المللی در کمک به ژاپن فعالیت کرده است (۳) ،
 در چین ، خائنین بملت ، وان جین وی های آشکار و پنهان برای خرابکاری
 در جنگ مقاومت و برهم زدن وحدت و برگرداندن عقربه زمان بیش
 از هر موقع دیگر از خود فعالیت نشان میدهند . آنها میخواهند قسمت اعظم
 چین را به تسلیم وادارند ، در درون کشور تفرقه ایجاد کنند و جنگ داخلی
 براه اندازند . در حال حاضر پاره ای تدابیر مخفی مانند « تدابیر بمنظور تحدید

فعالیت احزاب بیگانه « (۴) بطور وسیع عملی گردیده است . این تدابیر از لحاظ مضمون کاملاً ارتجاعی است ، به امپریالیسم ژاپن یاری میرساند و به امر مقاومت ، وحدت و ترقی لطمه میزند . "احزاب بیگانه" کدامند ؟ امپریالیسم ژاپن ، وان جین وی ، خائنین بعثت . چگونه میتوان حزب کمونیست و تمام احزاب و گروههای سیاسی ضد ژاپنی دیگر را که بخاطر مقاومت در برابر ژاپن دست اتحاد یکدیگر داده‌اند ، "احزاب بیگانه" نامید ؟ در حال حاضر تسلیم طلبان ، مرتجعین و سرسختان عمداً در میان صفوف مبارزان ضد ژاپنی اصطکاکات ایجاد میکنند و تفرقه میاندازند . آیا این قبیل فعالیتها درست است ؟ مطلقاً نادرست است (کف زدن عموم حاضرین) . اگر از "محدود ساختن" سخن بپایان آید ، چه کسانی را باید محدود ساخت ؟ امپریالیستهای ژاپن را ، وان جین وی را ، مرتجعین و تسلیم طلبان را (کف زدن عموم حاضرین) . چرا باید حزب کمونیست را ، حزبی که انقلابی‌ترین و مترقی‌ترین و در مقاومت در برابر ژاپن قاطع‌ترین حزب است محدود ساخت ؟ این مطلقاً نادرست است . ما مردم بین ان مخالفت صریح و اعتراض شدید خود را نسبت به آن ابراز میداریم (کف زدن عموم حاضرین) . ما باید با این « تدابیر بمنظور تحدید فعالیت احزاب بیگانه » مبارزه کنیم . این تدابیر سرچشمه همه گونه اعمال جنایتکارانه است ، اعمالی که وحدت را برهم میزنند . ما امروز این مجلس توده‌ای بخاطر ادامه جنگ مقاومت ، وحدت و ترقی بر پا داشته‌ایم . برای نیل به این مقصود این « تدابیر بمنظور تحدید فعالیت احزاب بیگانه » باید ملغی شود ، تسلیم‌طلبان و مرتجعین باید مجازات شوند و تمام رفقای انقلابی ، تمام رفقا و تمام مردمی که در برابر ژاپن مقاومت میکنند باید مورد حمایت قرار گیرند . (حاضرین بگرمی کف زدند و شعار دادند)

یادداشتها

۱ - در ۱۲ ژوئن ۱۹۳۹ ارتش ۲۷ گومیندان طبق فرمان مخفی چانکایشک سپاهییانی اعزام داشت که دفتر ارتباط ارتش چهارم جدید را در بین جیان واقع در استان حوزان محاصره کردند و رفیق تو جن کون افسر ستاد ارتش چهارم جدید و رفیق لوه زی مین سرگرد و آجودان ارتش هشتم و چهار رفیق دیگر را سبانه بقتل رسانیدند . این کشتار نه تنها نفرت و انزجار مردم مناطق پایگاهی دموکراتیک ضد ژاپنی را برانگیخت بلکه در مناطق تحت سلطه گومیندان نیز مردم شرافتمند را منزجر ساخت . این حادثه خونین تحت فرمان چانکایشک و دستیارانش رخ داد . مرتجعینی که از طرف رفیق مائو تسه دون در این سخنرانی مورد انتقاد شدید قرار گرفتند ، عبارت بودند از چانکایشک و دستیارانش .

۲ - رفیق مائو تسه دون برای مقابله با توطئه‌های مرتجعین گومیندان که میکوشیدند به بهانه " توحید " نیروهای مسلح و پایگاه‌های ضد ژاپنی زیر رهبری حزب کمونیست را از میان بردارند ، این " توحید " را توضیح میدهد . از روز تجدید همکاری گومیندان و حزب کمونیست بمنظور مقاومت مشترک در برابر ژاپن این شعار " توحید " به سلاح عمده‌ای در دست گومیندان مبدل گردید که با آن حزب کمونیست را مورد حمله قرار میداد و وی را متهم میساخت که پیوسته حساب جداگانه‌ای برای خود باز میکند ، مانع توحید است و به امر مقاومت زیان میرساند . بعد از ژانویه ۱۹۳۹ ، موقعیکه پنجمین پلنوم پنجمین دوره کمیته اجرائی مرکزی گومیندان به پیشنهاد چانکایشک « قداپیر بمنظور تحدید فعالیت احزاب بیگانه » را تصویب کرد ، این غوغای ارتجاعی شدت یافت . رفیق مائو تسه دون شعار " توحید " را از کف مرتجعین گومیندان بیرون آورد و آنرا در برابر فعالیتهای انشعابگرانه گومیندان علیه خلق و ملت بیک شعار انقلابی مبدل ساخت .

۳ - مراجعه شود به رفیق مائو تسه دون : « علیه فعالیت تسلیم طلبانه » . پس از سقوط اوهان در اکتبر ۱۹۳۸ ، سیاست عمده ژاپن در این جهت سیر میکرد که با بکاربردن وسائل سیاسی گومیندان را به راه تسلیم آورد . امپریالیسم جهانی و از آنجمله امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی بکرات به چانکایشک توصیه میکردند که برای صلح وارد مذاکره شود . چمبرلن نخست وزیر انگلیسی اظهار داشت که انگلستان

در باصطلاح "تجدید ساختمان خاور دور" شرکت خواهد جست. در ۱۹۳۹ فعالیت‌های توطئه‌گرانه متجاوزین ژاپن و امپریالیسم بین‌المللی شدت یافت. در آوریل همین سال کلارک کر سفیر انگلیسی در چین برای ترتیب مذاکرات صلح میان چانکایشک و ژاپن به میانجیگری پرداخت. در ژوئیه موافقت‌نامه‌ای میان انگلستان و ژاپن منعقد گردید که بموجب آن دولت انگلستان حاضر شد "وضع موجود" در چین را که بدست متجاوزین ژاپن ایجاد شد کاملاً برسمیت بشناسد.

۴ - «تدابیر بمنظور تحدید فعالیت احزاب بیگانه» مخفیانه در ۱۹۳۹ از طرف کمیته اجرائی مرکزی گومیندان صادر شد که برای افکار و گفتار و کردار کمونیستها و شخصیت‌های مترقی دیگر محدودیت‌های شدیدی مقرر می‌سازد و هدف آن برهم زدن تمام سازمانهای توده‌ای ضد ژاپنی بود. در این تدابیر قید شده بود که در نقاطی که بعقیده گومیندان "کمونیستها فعالیت بیشتری داشتند" "قانون مسئولیت مشترك و مجازات جمعی" بمرحله اجرا درآید و بطور کلی در درون سازمان بانو و جیا یک "شبکه اطلاعاتی" یعنی سازمان جاسوسی ضد انقلابی برقرار گردد تا در هر فرصتی فعالیت‌های مردم را کنترل و محدود سازد.

www.KetabFarsi.com

مصاحبه با خبرنگار روزنامه «سین هوا ژیبائو» درباره وضع جدید بین المللی

(۱ سپتامبر ۱۹۳۹)

سؤال خبرنگار : امضاء قرارداد عدم تجاوز میان اتحاد شوروی و آلمان (۱) دارای چه اهمیتی است ؟

جواب مائو تسه دون : قرارداد عدم تجاوز میان اتحاد شوروی و آلمان نتیجه افزایش قدرت سوسیالیستی اتحاد شوروی و سیاست صلح جویانه ایست که پیوسته از طرف دولت شوروی تعقیب میگردد . این قرارداد توطئه بورژوازی ارتجاعی بین المللی را بنمایندگی چمبرلن و دلادیه که میکوشید میان اتحاد شوروی و آلمان جنگی برانگیزد ، درهم ریخت ، محاصره اتحاد شوروی را توسط بلوک ضد کمونیستی آلمان ، ایتالیا و ژاپن درهم شکست ، صلح را میان اتحاد شوروی و آلمان تقویت کرد و پیشرفت ساختمان سوسیالیسم را در اتحاد شوروی تضمین نمود . این قرارداد ، در خاور ، ضربه ای بر ژاپن وارد آورد و به چین یاری رسانید ، در چین ، مواضع طرفداران مقاومت در برابر ژاپن را تقویت کرد و بر تسلیم طلبان ضربه وارد ساخت . اینها

همه پایه‌ای برای یاری به خلقهای جهان جهت کسب رهایی و آزادی خود فراهم ساخته‌است . این است تمام اهمیت سیاسی قرارداد عدم تجاوز میان اتحاد شوروی و آلمان .

سؤال : بعضی از مردم هنوز درك نمیکنند که قرارداد عدم تجاوز میان اتحاد شوروی و آلمان نتیجه شکست مذاکرات انگلستان و فرانسه و شوروی است ، بعکس آنها فکر میکنند که شکست مذاکرات انگلستان و فرانسه و شوروی نتیجه انعقاد قرارداد شوروی و آلمان است . آیا ممکن است توضیح دهید چرا مذاکرات انگلستان و فرانسه و شوروی با شکست مواجه شد .

جواب : مذاکرات انگلستان و فرانسه و شوروی به شکست انجامید صرفاً برای آنکه دولتهای انگلیس و فرانسه از خود صداقت نشان ندادند . در سالهای اخیر بورژوازی ارتجاعی بین‌المللی و در درجه اول بورژوازی ارتجاعی انگلستان و فرانسه در برابر تجاوز آلمان ، ایتالیا و ژاپن فاشیستی پیوسته يك سیاست ارتجاعی ، یعنی سیاست "عدم مداخله" را در پیش گرفته‌است . هدف آنها در تعقیب این سیاست آنستکه چشم خود را بر روی جنگهای تجاوزکارانه ببندند و از آنها بسود خویش استفاده کنند . از اینجمله انگلستان و فرانسه پیشنهادات مکرر اتحاد شوروی را برای تشکیل جبهه واقعی علیه تجاوز با قاطعیت رد کردند و بجای آن موضع "عدم مداخله" را اتخاذ نمودند ، دست آلمان و ایتالیا و ژاپن را در تجاوز باز گذاشتند و خود نقش ناظرین حاشیه‌نشین را بازی کردند . هدف آنها این بود که بگذارند طرفین جنگ یکدیگر را بفرسایند ، و آنگاه وارد عمل شوند و به مداخله پردازند . آنها با پیروی از این سیاست ارتجاعی نیمی از چین را نثار ژاپن نمودند و تمام حبشه ، اسپانیا ، اطریش و چکوسلوواکی را قربانی آلمان و

ایتالیا ساختند (۲). این بار آنها میخواستند اتحاد شوروی را فدا کنند. این توطئه در مذاکرات اخیر انگلستان و فرانسه و شوروی بطور وضوح آشکار گردید. این مذاکرات از ۱۵ آوریل تا ۲۳ اوت یعنی بیش از چهار ماه بطول انجامید. اتحاد شوروی در جریان این مذاکرات حداکثر بردباری را بخرج داد. ولی انگلستان و فرانسه از ابتدا تا انتها از پذیرش اصل تساوی و عمل متقابل سرباز زدند؛ آنها فقط میخواستند که اتحاد شوروی امنیت آنها را تضمین کند، در صورتیکه خودشان از تضمین امنیت اتحاد شوروی و کشورهای کوچک بالتیک امتناع میورزیدند تا بدین ترتیب شکافی باز گذارند که ارتش آلمان بتواند از آن بگذرد؛ آنها در عین حال اجازه نمیدادند که سپاهیان شوروی برای نبرد با متجاوز از لهستان عبور کنند. چنین است علت شکست مذاکرات. در همین موقع آلمان آمادگی نشان داد که به فعالیتهای خود علیه اتحاد شوروی خاتمه دهد، از باصطلاح «پیمان ضد کمینترن» (۳) دست بردارد و مصونیت مرزهای شوروی را پذیرفت و بدین جهت بود که قرارداد عدم تجاوز میان اتحاد شوروی و آلمان منعقد گردید. سیاست «عدم مداخله» که از طرف ارتجاع بین‌المللی و در درجه اول از طرف ارتجاع انگلیس و فرانسه دنبال میشود، عیناً سیاست «روی فراز کوه نشستن و نبرد بیرها را تماشا کردن» و سیاستی کاملاً امپریالیستی است که سود خود را از زیان دیگران تأمین کند. این سیاست هنگامی آغاز شد که چمبرلین دولت را در دست گرفت و با قرارداد مونیخ در سپتامبر سال گذشته باوج خود رسید، و بالاخره در مذاکرات اخیر انگلستان و فرانسه و شوروی دچار شکست شد. از این پس ناگزیر وضع در جهت تصادم مستقیم میان دو بلوک بزرگ امپریالیستی یعنی بلوک انگلستان - فرانسه و بلوک آلمان - ایتالیا تکامل خواهد یافت. من در اکتبر ۱۹۳۸